

نجم باختر  
۱۳۲۹

شماره یازدهم  
۱۳ شوال الحکرم ۱۳۲۹

فهرست مندرجات

۱ لوح زدامی حضرت عبدالهاد قبل از توجیه بمالک خوب

۲ شرح سفر مبارک به اروپا

۳ در باب سفر مبارک به امریکا

Persian Editorial Office: NAJME BAKHTAR,  
1800 Belmont Road, Washington, D. C., U. S. A.

صفحه اول

جلد دوم

شماره نهم

قیمت اشتراک

۲۷ سپتمبر ۱۹۱۱

Vol 2  
No 11  
سالی دوازدهم قرآن  
ماه شنبه ۶۸

# سخن باستان

۱۳۲۹

این جریده بر حسب تاریخ جهانی هر نوزده روز چاپ و توزیع میگردد و در نهایت از آذوی در مسائل بگامگی بشر و وحدت ادیان و ترقیات عصر دانش و علوم و فنون این قرن و تربیت اطفال و پیشرفت امر محنت بهاء الله در اطراف جهان و توضیح حقائق این دین عمومی خواهد نوشت و مقالات مفید که موافق بسکندری است قبول و نشر خواهد گردید.

## لوح وداعی حضرت عبدالبهاء قبل از توجیه به ممالک غرب

مورخین دانا و مبرین پویشند این قرن را عقیده بر آن است که از اول خلقت عالم این کون در شرق و علی بن ابی طالب و نقره ناقور حقیقت مردم را بگوثر علم و عرفان هدایت نموده است. در از سنه قدیمه پیغمبران رسل و نادیمان سبیل از آفاق شرق طالع و ممالک غرب را بانوار تعالیم خود روشن فرمودند ولی تا بحال گوش اطفال بشر شنیده بود و عیون اهل بلاد باختر ندیده بود که بزرگترین شخص روحانی این عصر و سرکرد افواج صلح و صلاح این قرن و علمدار برادری و برابری و لذت آذوی و مبشر وحدت نوع انسان و اعدان کشته ملکوت الهی و مجرب قلوب خیر خواهان دنیا حضرت عبدالبهاء بجهت شرفیفات الله و اعلاء کلمه الله در تعالیم الله سز ممالک اروپا فرماید و در انجذاب قلوب و اشتغال نفوس کمر بست برینند و غنچه دهمه در حوضه فلاسفه و علماء فرنگت بیندازد و ملود آبی دول و پیل غریب را بر طشه و زلزله روحانی مبتلا نماید. از این جهت مرتفقین نور رخ بوم در و حضرت عبدالبهاء را به اروپا ابتدا قرن طلعتی صلح و طلوع آفتاب جنات استخوت و بر لوری دنیا و فلاح عظیم فرض نموده اند و لذت این فضل و عنایت سبحانی سرافتخار و مباحات با آسمان بلند نموده اند که صدر این مراسم عظیمه در مرجع این عطایای ربانی گشته اند اگر بشر در انصاف ملاحظه کنیم به تحقیق خواهیم رساند که امروز بعد از آنکه حضرت عبدالبهاء مرکز عشاق و مخلصان الله عظیم و سرانده المکرم و سولی الهی بادند از حیث صفات و کمال ملکوتی و اخلاق روحانی اولین و بزرگترین نماینده

ای یار عزیز در این ایام متهم دیار غم شایده در عبودیت استن احدیت نفسی بر آیدم در بقوت با آذوی تأیید نفسی بسکنم و اندک پروازی حاصل شود ولی بهیات بهیات این سور ضعیف سیمان خواهد بود این پیشیل نوشته غنغنی بیشه جوید گرد بر رفته عنایت رسد و تو حرکت بخشد و الطاف حضرت بهاء الله شامل شود تا پشه سیر مرغ گردد و جوض خاسر عقاب کار شود اینکیم نه با استعداد و لیات است بل بقوه تأیید و توفیق رب احدیت است جمیع باران را تحت ابداع همی ابلغ در علی العباد و داع بنام و علیک بهاء الهی

## اسلان ملکوت الهی در لندن بواسطه عبدالبهاء

این بوی روح پرور از آن کوی دلبراست وین آب زندگانی لذت آن حوض کوشراست بوی بهشت میگردد ما نسیم دوست یا کاروان صبح که میگفتی مشور است بر راه باد علو در آتش نهان اند یا خود در آن زمین که توانی خاک غبر است

مل شرق است . سلاطین و شاهزادگان دول خادو بممالک حکم با ختمش یکسان دادند و کتب نوشتند ظاهر از بادی منبر کلمه  
با ختم سفیر نمودند و مراجعت کرده اند ولی سلطان جهان  
ملکوت و شهنشاهان عالم یعنی سلاطین دیگر در آثار سفر  
اولی الدبند زاپه و با هر خورده بود . سفر حضرت عبداله  
در این وقت بممالک اردب بسیار بر معنی و اگر قدسی بکنند  
مسئله بی بریم عوامی راست بود و اینم نبود که شرح و تفصیل  
آن خارج از قلم منبری است . علی شهنشاه  
از حد سال با بنظر در زیر بار سنگین نمازجات الله  
و ادوات حرب و قتل مانند مردمان زندانی ناله و فغان  
نمودند و نزدیک است که پشت آنها که خم کرده بود هیچ مل شکسته  
در زیر بزرگردد و ملک درویش های آنها عوض آنکه گوش  
باین شیون و غوغا دهند و این بار را قدری سبک  
نماند سال بسال بر وزن و مقدار آن افزون و در  
جنگ های متواتره خون میون با جوانان بیگناه را بخت  
در ذات نیت سلا بباد فادان اند چنانچه دل حاضر بود  
اروپ در این چند سال اخیر یک بر صد بر بود و در  
بحر و جنگ خود افزون و چون رقابت غیر قابل تصور می بود  
میان آنها موجود و از قوت و اقتدار هر یک ترسیدند  
گر یکی از آنها سالی پنج میون دود در بر ادوات جنگ اضاف  
کند دیگری فی الفور بزرگ مایات و نیشه کردن خون ریخت  
داخله و خارجه ده میون خرج میکند و یکی از وزیرها جنگ  
در این اواخر پیش بینی نمود که اگر چند سال دیگر این رقابت  
و حسنی صفت و دیوانه منش طول بکشد جمع دول اردب  
در شکست خواهند شد . زیرا مله خط میشود که جافان  
سبب در روز مشغول ساختن بارود و توپ و تفنگ کشی  
نمای زره پوش و غیره هستند و ایندانه از این  
الذت ناسره بزرگ اند . چه ؟ برای کی ؟ برای چه ؟  
ولی از طرف دیگر چون این آقایان محترم . بیست و  
مردم را ملاحظه نمودند دیدند نزدیک است در قه برگردد  
و سیم اقتدار و احوالاتش آن بگسند گریه های بگریه در  
صنوبر اجتماع انسانی برقص در آورده و جیل و اهل های دیگر  
بکار بردند و آن این بود که بعضی الکات مردم و مخلص نمودند  
مقاصد اصلی کلمه صلح و صلح عام و اخوت بین المللی  
در افواه ناسس انداختند و برایشان انجمن های صلح

صلح صلح صلح است که بگوئیم نیک میرسد ولی باطنی پسر سال  
سعی نمایند که عدد کشتی های جنگی زیادتر سربازان با تجربه تر  
و ادوات آدم کشی مؤثرتر گردد . این انجمن های صلح هر ماه  
کتاب و مجلات و جرائد چاپ و مجانی منتشر نمایند  
چه فائده در جمع این مسائل محض کم کردن طرف  
و مشغول داشتن عوام است و تا بحال بقدر خود در این فائده  
حقیقی که مقصود تجدید مخارجات ادوات بحر و تر است  
نمی بینید و اینست که حضرت همدان بهار در یکی از ابواب  
که در مملکت سوئیس چند روز قبل در صول یافت مانند  
حکیم خازن تشریح نماید قوله تعالی :-  
و فی الحقیقه در آن اقلیم جامع متعدد در افکار صلح آمیز و اخوت  
عمومی تأسیس گشته و اقلیم امریک در آن مخصوص بود و گران  
سخت گرفته ولی جمیع انجمنهای صلح آمیز و اتحاد عالم آنست  
که در اقلیم غرب تأسیس گشته عبادت از فتور و محو  
نمیشد بود است اما بهائیان بخون خویش تحریر نمودند  
و بقوله کلمه الله علم وحدت عالم انبیا از قطب آفاق  
با اعمال و افعال بند نمودند و بفضل جمال مبارک اعلان  
اخوت بشر و مساوات عام را گوشزد شرق و غرب  
کردند فرق نیماست مله خط نمایند که مجلس صلح آمیز  
للهی در الملکوت تأسیس کردند و ترویج نمودند لکن چون  
بمقام عمل رسید امپراطور روس که نوسن بود اعدای  
حرب با جاپان نمود و یک میون نفوس در میدان  
حرب زهره شمر گشته خاک را بخون خویش گلگون نمودند  
با وجود این بهائیان باید بجمع این انجمنها آمیزش باشند و آنرا  
بیدار کنند که این امر عظیم صلح عمومی جز بقوه الهیه صم خارق  
طبیعت است تأسیس نکرد و ترویج نشود زیرا طبیعت بشر  
در عالم طبیعت نسیم جدال و نزاع خفراست یکت قوت فایده  
خامق عالم طبیعت باید که این امر طبیعی سلاذ عالم بشر  
محو نماید .  
حال این قوه الهیه خارق طبیعت در ممالک غرب  
سفر نماید و شکلی نیست که وجود آن در ادب نه آنکه  
مورث شمع جنگ عظیمی باین دو دولت معظله است بل

بزرگترین استمدادی است برای امر صلح عمومی و صلح جهانی  
 حقیقی و درست نمود میگویم که از اثر کلمات و تعالیم حضرت  
 عبدالبهاء از این تاریخ ادوات جنگ و مجرد اول ارسال  
 و از بودجه مخارجات خود خواهند کاست و این صلح  
 از صمیم قلب بشارت میدیم که "قوه قاهره خارق عالم  
 طبیعت" بنائید و توفیق آنها قیام نمود است و از این  
 بعد ترقی افکار آنها بجز العقول خواهد بود پس اعضای  
 مجامع صلح باید از جان و دل سر در مشغول باشند و  
 عزت و شادمانی گسترانند که غلظت حقیقی صلح و صلح  
 و یگانگی بگذار حق با حق و حکیم حاذق سادای با قدرتی مسیحا  
 و همیش ملکوتی در میان آنها داخل شده و به فاروق اعظم  
 بجا بیاورند امراض بزمه مشغول است .

مستند دیگر که دقت حضرت عبدالبهاء را جذب خواهد نمود  
 همانا اختلافات خارجی و داخلی ملل شرق است و انکار  
 دل اروپا در حق آنها و در این حکمه لغو ساکت  
 هستیم و شرحی بیان نمی نمایم ولی چون تمسک بر التماس  
 بر او افصح در روشن است که حضور حضرت عبدالبهاء در این  
 زمانه سبب افتخار و بزرگی مقام پر نفس ایرانی است بل  
 سوره سیادت و جلال و استقلال و لذت آدی جمیع ملل  
 شرق است و نظر ما مهم ترین و بزرگترین سعادت ارتقا  
 و دل خاور در پس این سفر مخفی که تا بخش برود دهور و قرون  
 بر اختلاف معین در روشن خواهد کردید .

باری از قرار وصول اخبارات حضرت عبدالبهاء در روز  
 جمعه شانزدهم شعبان ۱۳۲۹ مطابق ۱۱ اردت ۱۹۱۱  
 شرف است از نظر گذشته از اسکندریه در راه سوریه  
 ساحوی که یکی از کشتی های بسیار خوب و بزرگ و نظیف است  
 عازم یارسیب که بندرگاه مملکت فرانسه است گشتند و اجازت  
 مسعود اسکندریه پس از آنکه چندین ماه در بحر عنایات  
 حضور مبارک ترق سینه بودند ناگهانی بهر آن اذواق متذکر  
 گردیدند چنانچه جناب آقای لاسید اسدالله است با این  
 مطلب نمود که "احدی بمیدانست که حرکت میفرمایند فقط  
 باشد آنکه انهم از توفیق مبارک معلوم میشد و در آن اواخر لوج  
 مبارک بجارات ذیل رسید - چون خیال از دست نماند  
 که در راه در اینجا بمانم مشتاق ملاقات شما هستم چند روز

بسیار کند ریه بیاید تا ملاقات شود . حال احوال  
 حفظه اروپا را فسطه بخشای جنت علیا نمودند طوبی  
 لدرش تشریف بقدره امیدواریم که امریکت بلهیم  
 از انوار جمال بیثال روشن دستور فرمایند . در  
 حضور مبارک جناب لایزال اسدالله اصفهانی و جناب  
 لایزال باقر شیرازی باذن لوه جناب مرحوم حاجی احمد  
 لاشاء الله و حسین و هم چنین لخر و سفر نمودند و  
 در ۲۴ شعبان تلگرافات روح بخش باین عبارات  
 محفوظ مهن رسیدیم قباس به سفر اسکندریه در این  
 امریکت و سایر جهات عالم رسید و این بشارت  
 جان پرور روح بدیعی در کالبد ابدان دمید و جمع یاران  
 به حمد و شای محبوب عالمان ذاکر و ناطق شدند .

در همان ایام در تلگرافی که از حضور مبارک بود شنیدیم  
 کشیده شده بود جناب ستریمی لایزال امر لایزال اروپا  
 فرموده بودند و پس از چند روز لوج مبارک با تخیل  
 ستارایه رسید که در آن عبارات ذیل نازل شده  
 چون عازم اروپا هستم بسیار مشتاقم که ترا ملاقات  
 نمایم البته بر حصول اینمکتوب عازم اروپا باشم لهذا  
 ایشان فی الفور اسباب سفر را فراهم آوردن در  
 ماه سپتمبر از دانشگتن حرکت کرد و همان روز در  
 کشتی نشسته بجانب لیورپول عازم شدند .

در این بین چنانچه معلوم میشود حضرت عبدالبهاء پس از  
 توقیف قلیا در یارسیب عوض آنکه پادشاه برودند  
 عازم مملکت سوئیس میشوند و در کنار ساحل جنوا  
 در بهترین دانشگتن مونت بل که معلوم به گراندهوتل  
 دو پارک است منزل میگیرند . بعضی آنکه خبر ورود  
 میرسد اجای الهی از پاریس دندان اطراف  
 و بسیاری از یاران امریکی که برای تفریح و تفریح در سیاحت  
 در آنوقت در سوئیس بودند در اینجا جمع میشوند و حضور  
 مبارک مشرف گشته در کت نبضات چنانچه در قلیل  
 مدتی شهرت امرالله در انصفاات فری بچید و حتی جوانان  
 ایرانی که در آن مملکت برای تحصیل بسر میرند بجز در انوار  
 مشرف گشته مصدر عنایات اندیجس میگردند و ادوات  
 همی و اخلاص حقیقی پیدا نمایند . و حضرت عبدالبهاء

این سفر را به عبارات ذیل یاد نمایند :-  
 اگر بدان که در این اقلیم اروپا چه قدر مشاغل از  
 برای عبدالبهاء حاصل شده است بیک کلمه مخفیه در جواب  
 قاضی میفرمایند آنان در ساحل دریایچه سویرا  
 در گراندهوتل دوبارک مدتی است منزل داریم و در  
 عازم پاریس و لندن هستیم هر روز از اطراف رجال  
 و نواز از مقبضین و محترمین دستمیزیم خم غیره حاضر  
 محشری است که نیدانی هر یک لذایشان را شنوایند  
 و مشکلهتی باید جمع مسائل مشکله عبدالبهاء بک  
 هر یک به نیت لهرانی حل نماید.  
 چون جناب ستریمی همین دو سه روزه از حضور مبارک  
 از لندن رجعت نمود در ضمن صحبت بالایشان مطالب ذیل  
 را در باب سفر خود برای باران بیان کردند: پس از پنج تا  
 سفر روی دریا سبستی دارد لیورپول شد و کف آنقدر دراز  
 باران را برای دو سه ساعت ملاقات کنم عازم لندن  
 کردیم هر چند از آن طرف مملکت سویرا توجه نمایم زیرا  
 گمانم آن بود که حضرت من اراد الله هنوز آنجا هستند  
 لهذا چون یکی از دوستان را زیارت کردم دست راست  
 اظهار داشت که عبدالبهاء در لندن تشریف دارند بسیار  
 مسرور شد و لذت حاصل بقصد دست او گردید. از چندین  
 سال با نظرف تعالیم از حضرت بهاء الله به طرقتی که دارد در بعضی  
 در انگلستان تشریفاتی ولی در این سال گذشته تشریف  
 امر الله در آن دیار بسیار خارق العاد بنظر می آید زیرا وقت  
 متفکرین و مصنفین و بزرگان را بسوی خود جذب نموده  
 دولت دیگری در قلوب بنام انداخته است که این دیار  
 از هر طرف در تحقیق و جستجو از مسیبت آید است  
 که بزرگترین وسیله آتش امر الله در قاصه کجرا لندن  
 بهمانا تشکیل کننده نژاد کاسی عالم بود و چون ناطقین  
 و مستغنی بهائی در آن مجمع خطابهای فیض ادا نمودند و تعالیم  
 روحانی اخوت و محبت امر را به بیانات رفیع و افغان  
 لطیفه ظاهر ساختند لهذا طلب سامعین زیاد گردید هم  
 چنین جویند یوسیه دهفتگی آن شهر بواسطه درج نمودن بقله  
 منفرد نظر قارئین خود را بطرف این دین عمومی جلب نمودند

عظمی کنگره نژاد کاسی عالم که نمایندگان جمع ملل دنیا بودند  
 ظاهر آید باطن طلب و تخصص خود را در باب از حضرت  
 بهاء الله بهویدند ساختند زیرا آثار و آثار امر الله  
 که محبت بین المللی و یگانگی بشر و صلح و صلح عام است  
 بچشم خود مشاهده نمودند تعجب میکردند لهذا از این مقدما  
 معنی صیانت و سیمان تولدی سحر نمائی را که الهی اند  
 نسبت به حضرت عبدالبهاء اظهار داشته دستیار رند  
 در کت خواهد نمود.  
 شب گذشته دهم سپتمبر (۱۶ رمضان المبارک) بر حسب  
 دعوت کشیش رناطق مشهور در نزد دکتر کاسیل حضرت  
 عبدالبهاء در بالدی بنر کلیسایی مردم "گر بزرگترین  
 معبد لندن است رفته ظهور امر مبارک را اعلان  
 فرمودند. در آینه شب یکی از بزرگترین و مبارک  
 ترین شبهای دنیا محسوب خواهد گردید زیرا این اولین  
 مرتبه بود که حضرت عبدالبهاء عموم عالم مسیحیت را  
 دعوت بدخول در مملکت اهل فرمودند و جمعیتی که در  
 این موقع بجهت استماع عبدالبهاء در کلیسا جمع شدند از  
 سه هزار نفر بالغ بود و زبان انسان از شرح و بسط  
 این مجلس عاجز می ماند. در نزد دکتر کاسیل پس از  
 خطاب مختصری در نهایت افتخار و وقار حضرت عبدالبهاء  
 را به حضار معرفی نمود بسیار از تعالیم این معبودینی  
 و روحانی تعجب و تعریف کرد پس عبدالبهاء نور انوار  
 انوار از مقام خود قیام و بر بالدی بنر صعود فرمود و آن  
 جمع کبیران نیت را که مانند دریای طوفان موج میزد  
 بسان در تیره ایرانی خطاب نمود قوه کلمات و کلمات  
 بیانات چنان رزه در اندام با انداخت که هیچ  
 نفس گمان نمی نمود که این اولین خطاب عمومی حضرت  
 عبدالبهاء است زیرا از اول تا آخر آن جمع عظیم را  
 از مثل جهات منجذب و مشتعل و در آتش سوزان  
 چندین دقیقه با صدای رعد آس و آوازه ترقوت  
 صحبت فرمود و مانند سیل کسبیل کلمات نور در حاش  
 از زم مبارک نازل میشد و قلوب مطمئن را  
 سیراب نمود و اگر چه مردم معانی کلمات مقدسه

را نمی فهمیدند ولی چند لحظه نگذشت که کل بر حقائق روحانی  
و بیانات الهی بی برکت دل و یک روح گشودند  
جمع بجز حکم یک یک جدا یک قلب پیدا نمود و مثل یک  
نی بود که حضرت عبدالبهاء در آن زودهای ملکوتی و عالم  
لاهیوتی میسرود و چون خطاب مبارک حضرت را شنیدند  
ان در بای این نسبت را ظاهر نمود بود که گویند یک  
در عالم عشق محبوب سیر و طیران می نمودند و جانها از  
قالب خارج شد در جاست و نکش محبت مولودکی  
عالمیان و سرور آدیان بسیار گدازش رفته بودند  
و چون در آخر نطق مرکز یشاق دست های مبارک را  
بست ملکوت الهی بند نمود و از درگاه الهی رجای برکت  
سماوی برای ان جمع کرد سماعین باندانش شاکر  
و شکر گشته که خارج از توصیف است ان بشر است  
نقطه مثل آن بود که پس از هر در آن سال تشنگی  
حیات رسید و بعد از بیسروسی با آنها بمنزل تصدق  
وصول یافته اند و جمع به تحقق رسانیدند که روح الله  
و نور هد نور در ان مجلس حاضر بود اسطرقت روحانی  
حضرت عبدالبهاء اتحاد حقیقی روح و دیگانی شکر کشف  
نمودند پس از ان ستر نور در بل که یکی از  
مبتغین لندن است بر خوات و ترجمه بیانات  
مبارک را برای سماعین فرات نمود تا آنکه کل  
بر مضامین آن اظلمع یابند (ترجمه خطاب مبارک در  
جولای لندن چاپ و ما امید داریم که بزودی فارسی آن  
باین بلاد رسیده تا برای مشتگین شرق در صفحات  
نجم باختر درج نمایم) چون مجلس بانتهی رسید و مردم  
متفرق گشتند جمعی در جلوی در یکسباج شدند و ایستادند  
تا زمانیکه حضرت عبدالبهاء بر در آمدند و بسیاری از  
خود را در دست زدند و بعضی در نهایت احترام  
دایمان منظر را احساس می کردند بعد از بیانات  
فرمودند که جمال مبارک در انام زندگانی با ایشان  
صحیح دال بودند که در صفحات غریب ظهور ملکوت  
الهی را اعلان خواهیم نمود و این بنیوت امروز کامل  
گردید و در همان وقت اجاز جان پر در این مجلس

از لندن با طرف شرق تلگراف فرمودند  
قبل از ورود حضرت عبدالبهاء به لندن الیدی علوم  
نمود که یکی از بهائیان ثابت است خانه خود را تقدیم  
حضرت نمود که در ایام توقف در لندن در ان بیت منزل  
بفرمایند و حضرت مولی الوری از روی رحمت قبول  
فرمودند و هر روز از دم آفتاب تا نصف شب  
باصف خانه بر وجه یار و اختیار ساز و مردم از جاهل  
و دانا و پیر و برنا و زن و مرد و بزرگ و کوچک از علماء  
و ادبا بحضور مبارک مشرف شد در کثرت فوفاست  
لایقانه بنمایند و از دارایی علوم و حکمت الهی بهره ای  
درازی ببرند مشغولیات داور حضرت عبدالبهاء  
در این سفر لندن لذت احصاء بشر خارج است پس از  
انکه من عرایض بهائیان امریکت را از انحضرت فرمود  
فرمودند به به اجای الهی در امریکت که من حاله  
خیلی مشغولم بسیار دارم و دقیقه برای نوشتن  
الواجب نماند است همذات همیشه در قلب من حاضرید  
در مشاجرات برای شما دعا بنام من حاله فانه شرح  
که سفر خود را بصحنات امریکت اعانه کنم ولی انوقت  
در آینه در سفر دیگر با امریکت خواهیم آمد و بارک باطلات  
خواهم نمود  
حضرت عبدالبهاء شهر لندن را دوست میدارند یک  
روز بعد از ظهر سس تورن برکت کرد پر انک نژاد الویل  
خود برای سیاحت شهر لندن وعده گرفت و چون  
به یکمندی برکت رسیدند کفشی چند دقیقه در باغ  
از الویل پائین آمدند که ناگهان در باللی افت  
یکت بالون طیار هوید گردید ولی الفور دست  
مبارک را جذب در تاشای آن چند دقیقه  
گذرانیدند پس از آن دوباره سوله الویل شد  
خی از ترقیات لندن انگلیس تعریف فرمودند و از  
بشرف احوال آن نماند کردند که میخواهند از مردان  
سابق جویند و در کشکش جات در حوضه قانون  
سادات در آیند بعد فرمودند که مع انهمه ترقیات  
تست انگلیس بعضی رجال عالم داندند که آنها در مستقل  
بر فقه امریکت قیام خواهند نمود دعا مخصوص یک نفر

از آنها کتابی بر ضد امراته تصنیف داشتند و خواهد  
داد بعد از آنکه فرمودند که چون نور از ظلمت رعب  
و در هشتی ندد و به انواع اهل حقیقت بزدستانان و  
مغرضین نیت رسند  
از یوم ورود مبارک به لندن جزایر مغرب آن شهر  
مفادست سفینه در خصوص امراته مرقوم نموده اند که  
یک در تجید و تعریف این دین عمومی بیانات محبت  
ایزد حقیقت درج نمودند و حتی تکرار آن در این باب  
بگردید امریکه رسیده که انشا الله بتدریج در شان  
آیند به ترجمه نشر آنها خواهیم کوشید و همچنین بعضی  
از حکام سن هی معترض حضور مبارک شرف گشته و از آنها  
رحمت و رأفت نسبت بملت انگلس اذن غایت  
فرمود که فلکس مبارک را بردارند و چندین مجلسها  
بسیار خوب بر داشته شده است. از قراد معلوم  
حضرت مولی النوری چندی دیگر در لندن توقف نمود  
و از آنجا عازم پاریس خواهند گردید

### سفر عبدالبهاء بامریکه

باز آد حلقه بر در زندان شوق زن  
کا جا بر آدودید چه مسماز برد راست  
باز آ که در فراق تو چشم آید در  
چون گوشش روزه دار بر آتیه آبر است  
دانی که چون همی گذریانم روزگار  
روزی که بیتی میگذرد روز محشر است  
گفتم عشق را بصوری دوا کنیم  
هر روز عشق بیشتر و صبر کمتر است  
صورت چشم غائب و اخلاق در نظر  
دید لطف حجاب و معانی برابر است

از قراد معلوم حضرت عبدالبهاء سفر خود را در این  
ایام بممالک اروپا نمر نمود و اجای این صفات  
را از لذت است جمال مبارک محروم خواهند نمود. شنیدند  
بسیار مردمی که از آن فریاد

این خبر بسیار سب حزن و اندوه قلب کثیره است  
و اظهارات ناامیدی در وجه هویدا آشکارا در ارجح  
باران را عقیده داشته بود که حضرت مولی النوری از روی  
رأفت و رحمت بهائیان امریکه بلا مصدر افتخار  
و بیانات فرمود پس از سفر در ممالک اروپا  
این اتفاق را از اول شمس حقیقت روشن و مشهور گشته  
فرمود ما را باز یقین است که این قلب نشسته را  
از ما اسلبیل بیانات الهی محروم نگردانند و از فیض حضور  
بی بهره ننمایند زیرا فی الحقیقه از یوسیکه مرکز میناق از  
شهر حفا خارج شد و در مملکت سورجل اقامت فرمودند  
بزرگترین امید بهائیان امریکه سفر مبارک با این صفات  
بود. در اول از هر طرف عریض سفینه شمس ارسال  
حضور فرستادند بعد جمع یاران کینه از بهائیان  
شیکاگو دینیو یورک و دانستگتن انتخاب نمودند  
عمومی که با مضای حجم فیزی رسید بود حاضر نمود در حال  
حضور داشتند و از همان ایام حضرت من الله  
در الواح کیره که اغلب آنها در این جرید چاپ و انتشار  
گردیده است فرمودند که یقیناً تشریف خواهند آورد  
شکی نیست که امر در برای اعلان عمومی ظهور مملکت  
دانش از عظم نفحات الله در هیچ عام کلمه آتیه امریکه  
محتاج به حضور حضرت عبدالبهاء است زیرا هر از این  
نفوس از بر نفیست بیدار خواهند شد و در شرف  
رحمن داخل خواهند گردید انق امر بستانه نامی قور  
روشن خواهد گردید و گلستان الهی به گل در یکا است  
نیزین خواهد گشت. چون در این ایام بعضی اخبار  
ناامیدی در باب وصول کردید باز اجای الهی در  
هم جمع شد در فکر آن هستند که دوباره فریضه عمومی  
بجضور مبارک بنویسند و از همیم قلب الحاج و آناه  
کنند که پس از توقف در آفاق اروپا بامریکه  
بشرف آوردن محرومان از محرم راز و غافلند  
بسیار مردمی که از آن فریاد